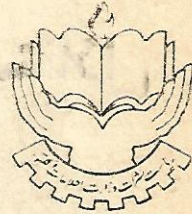




بررسی اوضاع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی
افغانستان طی سالهای ۱۹۰۱-۱۹۱۹ میلادی
و شرایط بین السلی استر و استقلال

مؤلفان : کانید اکادمین محمد اعظم بیستانی

محقق : عبداللہ مہربان



نام کتاب: بررسی...
مؤلفین: سیتانی، مهربان وها شمی
سال: ۱۳۶۸
شماره: ۳۳۴
تیراژ: ۲۰۰۰
محل چاپ: لیتوتاپ مطبعه دولتی

کاندید اکادمیسین محمد اعظم سیستانی

فصل اول

بررسی اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

افغانستان طی سالهای ۱۹۰۱ - ۱۹۱۹

و شرایط بنی المللی زبرد استقلال

مدخل :

به عقیده دانشمندان دانش اقتصاد بر رسی اوضاع اجتماعی و اقتصادی يك کشور در يك مقطع معین تاریخی در واقع جوهر اقتصاد سیاسی است و خواهی نخواهی نتایجی که از این بر رسی بدست میاید ، بامنافع طبقات اجتماعی بر خورد میکند . زیرا این نتایج بطور عینی بسود طبقه معین و به زیان طبقه دیگر است و طبعاً آن دسته یا طبقات اجتماعی که نتایج يك چنین بر رسی را بزبان خود تشخیص میدهند ، اصولاً با آن مخالفت میکنند و نتایج آن را نمیپذیرند .

و بر عکس طبقاتی که نتایج بررسی را بسود خود میبینند با تمام نیرو در جهت پذیرش و گسترش آن میکوشند. (۱)
با در نظر داشت اصل فوق و با توجه به منابع پراکنده و قلیلی که از این دوره در دست است. میتوان به این حقیقت انکار ناپذیر دست یافت که تسلط روابط فیودالی و یا قبل سرمایداری با همان خشونت قرون وسطایی خود در جامعه آغازین ربع قرن بیستم کشور و یا موجودیت ادوات و ابزار کار بسیار کهنه و ابتدایی برای کشاورزان به علت عدم رشد مناسب نیروهای مولده و شاید هم بعلت میسر نبودن زمین برای رشد سریع و همه جانبه نیروهای تولیدی و نگهداشت آن در چارچوب رابطه‌ها و ضابطه‌های خشک و خشن قرون وسطایی را همچون پاشنه آهنین بر پوست و استخوان مولدین مستقیم (دهقانان و پیشه‌وران محلی و شهری) میچرخید و اعمال میگردد.

برای تسهیل مطالعه و بازتاب تصویر اقتصادی - اجتماعی کشور موضوع را زیر عنوان: وضع اقتصادی - اجتماعی و اوضاع سیاسی و شرایط بین‌المللی نبرد استقلال به بررسی میگیریم:

وضع اقتصادی - اجتماعی :

قبل از همه متذکر باید شد که دوران مورد مطالعه مابین سالهای (۱۹۰۱-۱۹۹۱) میلادی مصادف است با عهد حکومت امیر حبیب‌الله.

پس از مرگ امیر عبدالرحمن در اکتوبر (۱۹۰۱) پسرش امیر حبیب‌الله بر اورنگ امارت افغانستان قرار گرفت. در دوره حکمروایی این امیر، افغانستان در جمله کشورهای

نیمه مستعمره و وابسته قرار داشت. بدین معنی که در امور داخلی مستقل و در مناسبات با کشورهای خارجی وابسته به حکومت هند برتانوی بود.

از لحاظ اقتصادی و سیاسی (افغانستان در آغازین قرن ۲۰ به عقب مانده گی وحشت آوره خویش ادامه داد.

عامل عمده این عقبمانده گی از جهتی حاکمیت مناسبات اجتماعی - اقتصادی ما قبل سرمایه داری و از جانب دیگر سیاست استعماری بریتانیا کبیر در ارتباط به این کشور بود.) (۲)

به سخن دیگر افغانستان در دو دهه اول قرن بیستم کشور بود دارای اقتصاد فیودالی که بر محور (کشاورزی و مالدهاری و صنایع دستی میچرخید. در سالهای خوب برای همه مردم غذا میسر بود و اضافه گی هم میکرد. در سالهای نامساعد قلت غله و گاهی هم گرسنگی ناشی از شیوه تولید قرون وسطایی مردم را رنج میداد.

معهد اقتصاد زراعتی و روستایی بقدر کافی محصولات کشاورزی و صنایع دستی را تولید و عرضه میکرد که اکثراً حتی تلافی مقدار مناسب اقلام عمده وارداتی از قبیل: چای، شکر و پارچه های نخی را مینمود. مهاجرت مردم مانده بشهرها بسیار ناچیز و جزئی بود. ترانسپورت و حمل و نقل چندان تعریفی نداشت. اسب و شتر و قاطر حیثیت موثر بین شهر و ده را داشت. برای نخستین بار در سال ۱۹۰۹ - یک تعداد موترها خریداری شده و در کابل شروع به فعالیت نمود.

مسافرت از ولایات بمرکز و از مرکز به ولایات چندین شبانه روز و شاید چندین هفته را در بر میگرفت صرف سرك

های قدیمه کابل جلال آباد و جلال باد لغمان و کابل جبل -
السراج و کابل غزنی و کابل لوگر ترمیم شد . در این دوره
بانکی در کشور وجود نداشت و روپیه هندی پول رایج مملکت
شمرده میشد . وسکه کابلی کمتر در معاملات تجارتي به
نسبت روپیه هندی چلش داشت . (۳)

بورژوازی تجارتي کشور که طالب توسعه و انبساط خود
بود ، از امتیازاتي که دولت برای تجار و صراف و دلال خا رجي
(هندوستانی) داده بود شکایت داشت و از تعدد گمرکات و باج
گیری داخلی و محلی نا راضی و خواهان انقاي گمرکات محلی
و رواندن تجار هندی و تدارك فضاي آزاد برای نشو و
نمای تجارتي خویش بود . (۴)

د ر ۱۹۲۵ اعلیحضرت امان الله خان پول افغانی را
جانشین روپیه هندی ساخت . سکتور مدرن صنعتی آن دوره
را چند دستگاه صنایع کوچک تشکیل میداد . پشم و پوست
قره قل و بعداً قالین و گلیم اقلام عمده تجارت خارجی
کشور بشمار میرفت (۵) که آنهم از طرف نماینده گان
امیر و وابسته گان در باوربرخی ما مورین عالیستاده
ملاکین تاجر پیش برده میشد

دکتور علوم کبیر رنجبر ، در ارتباط به وضع تجارت و
تشکل قشر جدید سرمایه داری تجاری در عهد امیر حبیب الله
مینویسد : ((باآنکه امیر حبیب الله خان سیاست پدرش
را درحمایه تاجران ملی بدرستی تعقیب نکرد و تحت فشار
انگلیس ها مجبور گردید تا انحصارات را بر اکثر اقلام
صادراتی لغو نماید . ولی باآنهم امیر جدید به حیث
بزرگترین تاجر افغانستان باقی ماند و تجارت پوست

قر قل و برخی دکا نه‌های عمده فروش را در انحصار خود
وزنان و درباریان خود نگاه داشت. ((۶))

دکتور رنجبر علاوه میکند: ((در نتیجه منافع طبقاتی
عمده‌یی از درباریان و مامورین عالی رتبه با منافع تاجران
حرفوی و ملاکینی که در کنار زمینداری به تجارت نیز اشتغال
میورزیدند، در آمیخت و از همین جا پروسه تشکل قشر جدیدی
در میان فیودالان نیز آغاز گردید که از زمینداران تاجر و
یا تاجران زمیندار متشکل بود ...

... علاوه بر پایتخت، در شهرهای دیگر افغانستان
نیز تعداد تاجران ملی رو به ازدیاد بود. بطور مثال: در
آغاز قرن ۲۰ در تجارت ناحیه‌های نه تنها ملاکین بزرگ
و مامورین عالی‌رتبه، بلکه ملاکین و مامورین متوسط و کوچک
و افسران نیز وسیعاً در تجارت اشتراک میورزیدند. ((۷))

بدینگونه اقتصاد فیودالی کشور روبه انکشاف نهاد و
آهسته آهسته زمینه ظهور سرمایه‌داری را بسویه ملی
که از زمان امیر شیرعلی خان بشکل پراکنده در گوشه و کنار
کشور جوانه زده بود مساعد ساخته رفت. تجارت و پیشه
وری انکشاف نسبی نمود و ارتباط زمینداران و ملاکان
بزرگ با بازار رشد یافت.

با رشد تجارت پاروسیه و هندوستان، کشت پخته و کنجد
وزغر و نیشکر و پرورش گوسفند قره‌قل در صفحات
شمال کشور روبه انکشاف نهاد.

از آنجایی که به جز چند موسسه دولتی کارخانجات
صنعتی وجود نداشت مواد صنعتی مورد نیاز از خارج وارد
میگردید و بدینگونه تجارت خارجی نقش عمده در اقتصاد
کشور داشت.

در دوره مورد مطالعه ماگرچه افغانستان از طریق تجارت خارجی تحت تاثیر بسیار سرمایه‌داری قرار داشت ولی به ساحت صدور سرمایه مبدل نشده بود .

چه هنوز در بنده قرضه‌های امپریالیستی در نیامده و شرکت های صاحب امتیاز خارجی در آن وجود نداشت . (۸)

بطور کلی در عهد امیر حبیب الله کار در جهت تحولات و تغییرات مهم اجتماعی - اقتصادی با بطائت جریان داشت . در بعضی مناطق کشور شبکه های آبیاری توسعه یافت . در سال ۱۹۰۷ حفر نهر سراج وادی هلمند و نهر سراج جلال آباد و بند آب غزنی و فابریکه برق جبل السراج آغاز شد .

در سال ۱۹۰۹ کارخانه چرمگری و در ۱۹۱۴ فابریکه پشمینه بافی در کابل به تولیده آغاز کردند که قسماً مقداری از تولیدات خود را به بازار عرضه میکردند . (۹)

و اما اکثریت مردم، یعنی دهقانان ، مالداران و پیشه‌وران کماکان در زیر پاشنه سنگین مالیات های گوناگون و اجحاف تحصیل داران حواله جسات دولت و فیودالی ها و ملا کین و مستاجرین قرار داشت .

این طبقه به علاوه تغذیه طبقه حاکمه (فیودال و مستاجر) خدمات رایگان (بیکار) را به نفع دولت و ملاک فیودال و مستاجر و مقاطعه کار نیز بعهده داشت . دولت اعمار راه ها و جاده ها و پل ها و امثال آنرا بدون مزه و اجرت، بطور اجبار (بیکار) بالای این مردم انجام میداد . مامورین و کارمندان بزرگ ملکی تمام مایحتاج خود را بنام ((حواله و برات)) با نرخ کمتر از نرخ روز، از ایشان میگرفتند . ارباب و مستاجر مالیات و مامور وصول مالیات ، همه دست در دست هم داده متفقاً دهقان

مزرعه گر وزارت سهمیه کار را استثمار میکردند .
دولت بنا بر خصصت طبقاتی اش، مداخله منافع ملاک
فیودال بوده در حالیکه دفاع از میهن و استقلال کشور بر
دوش دهقانان قرار داشت . دهقان بود که در حالت صلح
و آرامش ، بدولت عسکر میداد و در حالت جنگ شخصا زیر بار
سلاح میرفت و اسلحه بدست میگرفت . معینا ملاکان فیودال
بیشتر از دیگران مورد اعتماد دولت بودند و گاهی مالیات ده
پانزده ساله منطقه وسیعی را از دولت باجاره میگرفتند و
آنگاه چون گرگی که برای چوپانی رزمه ای گماشته شده
باشد ، بخود حق میدادند هر طور خواسته باشند با دهقانان
و مالداران تحت قلمرو خود معامله کنند . بدون شك ملاک
مقاطععه کار و مستاجر به بهانه های مختلف و عناوین گونه گون،
علاوه بر گرفتن مالیات مقرر اراضی ، مواشی، محصولات
زراعتی ، محصولات حیوانی ، جمع آوری سوارات (عوارض)
و مصارف مهمانی حاکم و والی و شحنة و مامور مالیه، از گندم
و جو گرفته تاروغن ، گوشت ، مرغ ، تخم ، پشم ، گوسفند و بیره
و غیره خدمات بیگاری ، ترمیم راه های عمومی ، لای ر و بی
جوی ها و نهر ها متعلقه فیودال، تهیه آذوقه زمستان و تعمیر و
یاتریم قلعه و دیوار باغ و غیره، شیره جان دهقان کم زمین و
بی زمین تحت اجاره خود را میگرفت .

بگفته غبار ، شدت و فشار مستاجرین مالیه و فیودالان
بالای مردم بجای رسید که از ولایات سمت شمال و غربی
کشور صدها خانوار دهقان ورشکست شده بکشور های
مجاور فرار کردند . اراضی سر سبز جمشیدی های هرات
که مضمح نظر ملاک مقتدر و متنفع آنجا
بود . طی يك سازش خاینا نه استملاک گردید . (۱۰)

سراج الاخبار در شماره ۱۱ سال چهارم خود شرحی از فرار دسته جمعی ششصد خا نوار هزاره بجانب ایران نوشت که فراریان بواسطه عسکر مسلح از سر حد باز گشتانده شده و اجباراً به موطن شان (دایزنگی) ساکن ساخته شدند . سراج - الاخبار ادامه میدهد که و قتی از آنها علت این فرار پرسیده شد: ایشان ظلم ورشوه خواری مامو ران دولت را پیش کشیدند . (۱۱)

در همین سال مرحوم غباردرخان آباد یکنفر مستاجر گمرکات، قطغن و به خشان را بنام جمشید خان کمری وال سراج میدهد که هشتاد نفر خدمت گار شخصی داشت و سرای او شکل سرای های افسانوی بغداد را بخود گرفته بود . در حالیکه در بد خشان قحط غله مردم ناتوان آنجا را وداشته بود که دختران خود را در بدل ده سیرگندم بفروشند غبار ادامه داده مینویسد : ((در این آوان در نورستان مردم برای خوردن حتی ارزن هم نمی یافتند و در پکتیا غله را میگذاشتند که تلخ شود تا کمتر بخورند)) .

عوارض و مالیات دولت در چنین شرایط گوناگون بود که بزور شلاق و شکنجه از مردم گرفته میشد . از قبیل : خس بری، سر درختی (اراشجار مثمر) زکات و مالیات مواشی از مالدار ، سر خانه از بی زمین، اقسام حواله جات خریداری و غیره .

دولت مالیه نقدی را با لای مالیه دهنده گان تحویل خزانه ها و مالیات جنسی را تحویل گدام ها و رباط ها که در فاصله چندین شبانه روز از محل مالیه دهنده گان قرار داشت مینمود . خزانه داز ها و گدام دارها مقدار معین نقد و جنس بیشتر از مالیات معینه برای خو دیگر گرفتند . چون پای ملاک

فیودال و ارباب محل بین‌مالیه‌دهنده و مالیه گیرنده (دولت) در میان بود. باقیات مالیات که تادیه آن از توان دهاقان خارج بود، توسط تحصیلداران وصول میشد. دفاتر تحصیلداری در پایتخت و ولایات بر جان و مال مردم مسلط بود. در قطن سه نوع تحصیلدارمالیه وجود داشت که هر یک دارای اردوی گرسنگان بودند که آنان را بجان مردم می انداختند. تحصیلدار باقیات چهار ده سال گذاشته، تحصیلدار از باقیات جدید (از دو سال گذشته) و تحصیلدار روز از سال جاری این تنها نبوده انواع خریداری دولتی و شخصی و بیگار کمر مردم را خم میکرد. ماموران بزرگ دولت غله و علوفه کارآمد خود را به قیمت بسیار نازل در عوض معاش خود بالای مالیه دهنده گان دور دست حواله میگرفتند. یا قیمت آنرا تحویل خزانه میکردند. و در عوض آن حواله و برات حاصل مینمودند. آنگاه توسط محصلان مسلخ. اشیای حواله شده گی را از محل تا خانه خود میرساندند و با قیمت آنرا چندین برابر بیشتر از قیمت واقعی نقداً میگرفتند. چنانکه کارمندی در خان آباد ۲۰ روپیه قیمت ده خروار گاه را تحویل خزانه کرده و حواله گاه را با اسم مالیه دهنده گان اندراب که هشت منزل اسپ دور تر بود میگرفت. دفتر اندراب مالیه دهنده گان را مجبور میساخت که هر یک مقدمات حواله شده گی ذمت خود را در خان آباد رسانده رسید بگیرند. چون اینگونه تکالیف تحمل ناپذیر بود. بناء چار مالیه دهنده گان گاه را نقد و طبق نظر حواله دار (ولو صد برابر بیشتر می بود) می پرداختند و اما حواله جات دولتی این نفر را هم بحال خودش نمیگذاشت و مالیه دهنده مجبور به تحویل جنس در جای معینه بود و لوجان او در

سر این تکلیف از بین میرفت. مایحتاج خانواده شاهی هم عوض معاش شان در ولایات کشور حواله میگردد. برنج در کتر ولغمان، روغن در هزاره جات، گو سفنه در قطن وغیره. اما تعیین نرخ این اشیاء بمراتب کمتر از نرخ بازار و نرخ روز بود. (۱۲)

از مطالعه منابع و آثار پراکنده این دوره برمی آید که در هنگام جمع آوری مالیه مامور تحصیلی به همدستی فیودال محل با جبر و شکنجه چندین برابر اصل مالیه معینه را از دهقان و مالیه دهنده گان میگرفت و بسا که دهقانان از ترس کتک کاری بی چون و چرای مامور تحصیلی، خود را در پناه سنگلاخ ها، یلای بته های انبوه و نیزار ها یا بین نهرهای بی آب و کاریز های خشک وغیره پناه گاه هاو پر نگاه ها پنهان میکردند.

روش جمع آوری مالیه درین دوره از روش اخذ مالیه در عهد استیلای مغول (با آنکه از دوره امیر شیر علی خان يك مقدار لوايح در موضوع به جمع آوری و اندازه و نحوه تحصیل مالیات وضع شده بود). چندان تفاوت نداشت جنس و نقدی که مامور وصول مالیه در پایان ماموریتش برای خود کمایی کرده بود. کمتر از نقد و جنس سهمیه دولت نبود و طبعا فیودال وار باب کل درین میان نفع اش کمتر از بهره دولت و مامور تحصیلی نبود. مخصوصا جمع آوری مالیه بشکل مقاطعه (اجاره داری) که در پای فیودال های محل معمولاً در دفاتر مالیاتی دولت قید میشد. بهترین شکل اخذ و تحصیل مالیه بود که دهقانان ناتوان را کم از کم در طول يك سال چهار پنج باره عناوین گونه گونه میدوشیدند و خون را در بدن مالیه دهنده گان خشک میکردند و مالیات راسه برابر

و چهار برابر اصل مقاطعه (اجاره) از آنان دریافت
میداشتند (۱۳) معیناً هرگز اعمال غیر مشروع شان
نظارت بعمل نمی‌آید. زیرا هنگام گرفتن مقاطعه و اجاره
مالیات ناحیه ای. رشوه های بزرگی به حکام و مامورین مالی
و مستوفیان می پرداختند تا بتوانند هنگام جمع آوری مالیات
مطابق میل خود بارعایا رفتار نمایند.

این خود کامگی و اخاذی و استبداد. هزاران دهقان کم
زمین و میانه حال را خاکستر نشین میکرد. و آنها را از
دستگاه دولت و کار گزاران بی انصاف و طماع آن روز تا
روز بیشتر کرده میرفت. و بنابراین میلیون ها دهقان و
پیشه وران تهی دست شهری و روستایی را بر ضد استثمار
داخلی و تجاوز خارجی آماده قیام کرده بود.

وضع سیاسی :

امیر حبیب الله خان بعد از عقد معاهده (۱۹۰۵) با انگلیس
و مسافرت در (۱۹۰۷) به هند و عقد معاهده (۱۹۰۷) پین
روسیه تزاری و انگلیس از نظر امنیت خارجی خود را مصون
حس نمود. و به تنظیم امور داخلی کشور توجه نکرد. (۱۴)
امیر حبیب الله در کشور ربحیت آفریننده قانون و نگهبان
تاج و تخت شناخته میشد و حدود صلاحیت ها و وظایفش
را حد و مرزی نبود و هیچ قانونی صلاحیت مطلقه او را
مهار نمیساخت.

مصارف در بار باشکوه و پر تجمل بخشش عمله عواید
دولت را تشکیل میداد. حقوق و وظایف مردم معین نبود و اصلاً
قانونی وجود نداشت که مطابق آن عمل میشد. مردم بد و ن
حکم محکمه شدیداً مجازات میگردیدند. در عین زمان امیر

حبیب الله يك سلسله اصلاحات داخلی از قبیل منع خرید و فروش غلام و کتیز را اعلام کرد. اما آزادی آنان را اعلام ننمود. در مورد محبوسین زن و مرد که تحت بازرسی قرار داشتند مجازات از قبیل کور کردن، گوش بریدن، دست بریدن، منع و در عوض آن حبس تعیین شد که همه این اقدامات موقتی بود و مدت درازی ادامه نیافت.

اوضاع داخلی و حوادث مهم بین المللی روز تاروز همرا یطی را برای نشات افکار مترقی و مشروطه خواهی مساعد مینمود. عناصر ترقی خواه جامعه دیگر نمیتوانستند در برابر مطلق العنانیت سلطنت بی قانونی و عقب مانده گی کشور بی تفاوت بمانند. قشر قلیل روشنفکران برای تحدید قدرت بی سرحدشاه، تحصیل استقلال کشور و به وجود آوردن قانون اساسی به فعالیت آغاز نمودند.

مصارف جدید و تأسیس و رشد مطبعه شرایط مساعدی را برای انتشار افکار مترقی مهیا ساخت. درین میان نقش مسلمانان هندی که به نهضت ملی آزاد یخواهی کشور خویش ارتباط داشته و در افغانستان به حیث استاد ایفای وظیفه مینمودند و جریده هفتگی ((جبل المتین)) که در کلکته از طرف ایرانیان فراری بزبان فارسی به نشر میرسید بسا زیاد است. در عین زمان بایسته اهمیت انتشار افکار و ایده های جدید از طریق آسیای میانه، ترکیه و ایران رادر سالیهای بیداری آسیا (۱۹۰۵-۱۹۰۷) نیز در نظر گرفت. حتی قدرت حاکمه افغانستان از بیم انتشار اخبار و حوادث انقلاب ایران به داخل افغانستان اقداماتی را در مورد منع انتقال روزنامه های ایران به رویدست گرفت. اما با وجود این محدودیت ها اخبار حوادث ایران از سرحدات غربی به

کشور میرسید که بدون شك بروضع داخلی تائیر وارد
میکرد .

انقلاب بورژوا - دموکراتیک ۱۹۰۵ روسیه به روشنفکران
افغانستان در مبارزه بخاطر مشروطیت و استقلال الهام
بخشید .

انقلاب بورژوا - دموکراتیک روسیه جنبش ضد استعماری
در آسیا را از شرق نزدیک و میانه و منطقه خاور دور به
حرکت آورده بود .

وی. ای. لنین هنگام بررسی مبارزات ضد استعماری در آسیا
این جنبشها را «بیداری آسیا» نامید . او در مقاله خویش تحت
عنوان (بیداری آسیا) تا لیف سال ۱۹۱۳ که به ارتباط
تا تئیرات جنبش ۱۹۰۵-۱۹۰۷ نوشته بود میگوید : ((پس از
جنبش سال ۱۹۰۵ روسیه انقلاب دموکراتیک سر اسر
آسیا، ترکیه، ایران و چین را فرا گرفته است . جالب
است که جنبش انقلاب دموکراتیک اکنون هند، هالند،
جزیره جاوه و سایر مستعمرات هالند را نیز که تا ۴۰ میلیون
جمعیت دارند فرا گرفته است . سرمایه داری جهانی و جنبش
سال ۱۹۰۵ روسیه، آسیا را به کلی بیدار گرداند . صد هاملیون
جمعیت جهل زده که در رکود قرون وسطایی به توحش دچار
بودند برای زنده گانی نوین و برای مبارزه در راه حقوق
بدوی انسانی برای دموکراسی بیدار شده اند.)) (۱۵)

روشنفکران کشور با وجود اختناق و تعقیب، توانستند
جهت ستمدهی در ست مبارزات خود تشکیلات منظمی را بنا
((جمعیت سری ملی)) تاسیس نمایند که معلمین و کارمندان
لیسه حبیبیه را که تا سال ۱۹۰۹ مرکز فعالیت های سیاسی
شده بود و با عده یی از روشنفکران خارج مدرسه و هم عده یی از

روشنفکران دربار را در برمیگرفت . درین جمعیت يك حلقه مسلمانان هندوستا نی نیز موجود بود که در راس داکتر عبدالغنی خان قرار داشت . مرام این جمعیت : تبدیل حکومت مطلق العنانی به شاهی مشروطه ، تحصیل استقلال افغانستان و نشر تمدن و فرهنگ جدید در افغانستان بود و حتی تلاش میشد تا امیر حبیب الله خان را در نشر فرهنگ تشویق نموده از اعضای حزب (ناشناخته) در نشر تمدن و فرهنگ جدید استفاده نماید .

امیر حبیب الله خان همینکه از فعالیت این جمعیت اطلاع یافت به تعقیب آنها پرداخت . چنانکه (در ماه مارچ ۱۹۰۹) ۲۵ عضو آنرا دستگیر و از آنجمله هفت تن شان را اعدام نمود . (۱۶)

امیر به محکومیت ، کشتن و حبس اعضای جمعیت اکتفا نکرده اشخاص رانه تنها در کابل و جلال آباد بلکه درهرات و قندهار ترور و زندانی مینمود .

ولی سرکوبی مشروطه خواهان اول بالای روشنفکران تأثیر عمیق و شدید کرد . اهدافی را که جمعیت در برابر خود قرار داده بود خاش نمود و آنرا نهضت ((جوانان افغان)) ادامه داد . نهضت جوانان افغان بیش از همه تمایلات رادیکال نیروهای ملی افغانستان را احتوا میکرد . اشتراك کننده گان این جنبش را صاحب منصبان و کارمندان وطنپرست ، زمینداران لیبرال و تاجران ملی تشکیل میداد . صرف نظر از آنکه جوانان افغان متشکل از يك مخفل نسبتاً محدود و دور از توده ها و ناسونا لیست های لیبرال بودند و در طرح اصلاحی شان که در آن تقاضای استقلال و اصلاحات گنجائیده شده بود در شرایط تاریخی یاد شده

در جهت منافع ملی قرارداشت .
 بعد از سرنگونی مشروطه خواهان در سال ۱۹۰۹ ر هبر
 معنوی نهضت جوانان افغان محمود بیگ طرزی (۱۸۶۸ -
 ۱۹۳۳) بود که دخترش ثریا در نکاح شاهزاده امان الله بود
 و ازین جهت امان الله تحت تاثیر نهضت افغانان جوان
 قرار گرفت . در ترویج و انتشار افکار جوانان افغان
 نقش جریده سراج الاخبار افغانستان که به مدیریت محمود
 طرزی در سال ۱۹۱۱ مجدداً به نشر آغاز نمود ، فوق العاده
 بزرگ است . باید متذکر شد که بار نخست جریده سراج -
 الاخبار به مدیریت مولوی عبدالروف در سال ۱۹۰۵ فقط
 برای یک بار به نشر رسید . نفوذ سراج الاخبار در هند
 پرتانوی و ترکستان روسی بمراتب بیشتر از نفوذ
 حبل المتین در افغانستان بوده است وزارت خارجه
 انگلیس و روس مکاتیب و تصامیم زیاد در مورد منع
 سراج الاخبار به هند پرتا نوی و ترکستان روسی ارسال
 داشتند . (۱۷) جریده بمدریت محمود طرزی از استقلال تا م
 کشور دم میزد و با نفوذ استعماری دولت انگلیس
 مخالفت شدید مینمود . جریده گاه گاه از هرج مرج اداره داخلی
 کشور نیز انتقاد میکرد . موجودیت نماینده گان ترکهای
 جوان و حکومت موقت هند در کابل تحت رهبری مهندرا
 پرتاب و مولانا برکت الله در سال ۱۹۱۵ بالای فعالیت
 افغانهای جوان تاثیر مؤثر وارزنده داشت . نهضت افغانان
 جوان اهداف ذیل را داشت : از بین بردن امیر حبیب الله
 به حیث مانع در راه آزادیهای سیاسی و حصول استقلال ،
 رویکار آوردن حکومت مشروطه (یعنی ترتیب قانون اساسی
 و تشکیل کابینه و شورای ملی) و انکشاف معارف ، علم و

تخنيك . امير افغانستان باامضای معاهده ۲۱ مارچ ۱۹۰۵ با ((دين)) نماینده انگلیس، معاهده ۱۸۹۳ دیورند را تایید نمود و مانند گذشته در وضع نیمه مستعمره باقیماند . در معاهده (۱۸ اگست ۱۹۰۷) روسیه و انگلیس تذاکر رفته بود که بر تانیه وضع سیاسی افغانستان را تغییر نمیدهد و این کشور تحت نفوذ آن باقی میماند و حکومت روسیه از جانب خویش تعهد نمود که افغانستان را خارج حلقه نفوذ خویش میشمارد و مناسبات سیاسی خود را با افغانستان از طریق حکومت بر تانیه کبیر انجام میدهد .

و.ای. لینین در ارتباط به شرح این معاهده نوشته بود که (انگلیسها و روسیه تزاری ایران- افغانستان و تبت را بین خود تقسیم مینمایند و آماده گیری به جنگ باالمان را دارند) (۱۸) .

امیر حبیب الله خان در برابر جنگ اول جهانی بی تفاوت ماند و بتاريخ ۲۲ اگست ۱۹۱۴ بیطرفی افغانستان را اعلان نمود و از این به بعد سعی و کوشش نمود که بیطرفی را مراعات نماید .

در افغانستان بخصوص در بین قبایل سرحدی روحیه شدید ضد انگلیس وجود داشت که این روحیه بعد از شرکت ترکیه از ماه اکتوبر سال ۱۹۱۴ در جنگ جهانی تقویت یافت .

المان و ترکیه کوشش نمودند که افغانستان را با استفاده از احترامات مذهبی به سلطان ترکیه در جنگ در مقابل بر تانیه طرفدار خود سازند و بدین منظور در اکتوبر ۱۹۱۵ هیئت سیاسی المان و ترکیه با نامه های ویلهیم دوم امپراتور المان و محمد رشد خا مس سلطان ترك وارد افغانستان

گردید و اتحاد نظامی با همی را علیه انگلیس ها پیشنهاد کرد. این هیئت تا ۲۱ می ۱۹۱۶ در افغانستان باقی ماند. حکومت انگلیس از ورود هیئت نیدرما پروهنتنک بسیار آشوش شد و در صورت مراعات بیطرفی افغانستان به امیر وعده داد که بعد از ختم جنگ استقلال سیاسی افغانستان را برسمیت خواهد شناخت وهم (۶۰ میلیون) کلدار حق السکوت داده و هم سالانه ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار کلدار به افغانستان خواهد پرداخت (۱۹) قسمت بز رگ دربار و مامورین افغانستان برهبری سردار نصر الله خان نایب السلطنه طرفدار این اتحاد و اعلان جنگ با انگلیس ها بودند .

عدم قبول پیشنهاد هیئت المان و ترک در مورد اتحاد نظامی علیه انگلیس از جانب امیر و ادامه بیطرفی در بین مردم نفرت و انزجار عمیق بخصوص در بین روشنفکران و آزادیخواهان تولید نمود و جدا در صدد مخالفت بر آمدند . امیر حبیب الله از مبارزه مردم افغانستان در سرحدات آزاد جلوگیری مینمود و جهاد مردم را بدون اجازه و امر پادشاه اسلام ناجایز قلمداد میکرد و باین منظور رساله اطاعت اولی الامر توسط مطبعه عنایت کابل چاپ و در تمام مساجد و قشله های نظامی افغانستان منتشر گردید . (۲۱)

قشر روحانی کشور نیز از روش دولت و عیاشی های بی بند و بار شاه عمیقاً منزج بودند و ((قدسیت آسمانی مقام شاهی)) دیگر ارزش خود را در نظر آنان از دست داده بود. قسمتی از ملاکان فیو دال کشور که مثل روحانیان دلبسته نظام منجمد قرون وسطایی بودند ، باز هم آماده بودند که در صورت مقابله با دولت در صف مردم افغانستان قرار گیرند . و اما قشر روشنفکر افغانستان که به حیث

نماینده گان مردم قیلا با استبداد داخلی امپریالیزم خارجی مبارزه کرده و به سختی سر کوب شده بودند ، اینک بقیه السیف آنان کماکان در حالت ضدیت با دولت و نفوذ استعمار خارجی باقیمانده بودند . روی هم رفته در افغانستان شرایط سیاسی و اقتصادی زمینه يك تحول اجتماعی را بر ضد استبداد داخلی و نفوذ امپریالیزم خارجی آماده کرده میرفت ، در چنین وضعیت در روسیه انقلاب کبیر اکتوبر در سال ۱۹۱۷ به پیروزی رسید .

انقلاب اکتوبر نهضت ملی آزاد بخش ضد امپریالیستی را در افغانستان تشدید بخشید .

شرایط بین المللی نبرد استقلال :

باید خاطر نشان نمود که پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر تأثیر بزرگ معنوی و عملی را بر جنبش آزادی خواهانه مردم ما وارد کرد . شکست مداخله گران انگلیس در ماورای کسپین و بیرون راندن آنان از آسیای میانه به دست ار دوی سرخ شوروی و پشتیبا نی قاطع جمهوری جوان شو روی از حق استقلال و حاکمیت مردم افغانستان در مبارزه علیه نیرو های امپریالیستی شرایط مساعد را از لحاظ بین المللی تا مین نمود . مستشرق شوروی اولیا نو فسکی طی مقالتهی مینویسد :

((رهبر انقلاب اکتوبر لینن در مورد مبارزات آزادی بخش ملی خلق های مشرق زمین علیه ستمگران خارجی معتقد بود که این مبارزات عاقبت به سقوط نظام استعماری امپریالیزم خواهد انجامید . او در ترسیم ((نمودار فتح ها و جنگ های استعماری)) خویش گزارش بسیار دقیق از مبارزه

خلق افغانستان علیه استعمار گران بریتانیایی ثبت نموده است که نمایانگر احساسات ژرف همدردی او نسبت به مبارزات قهرمانانه مردم افغانستان برای حفظ آزادی و استقلال کشور شان است .

ارزیابی لینین از رویدادهای گوناگون تاریخ معاصر افغان - نستان بخشی از تحلیل او را از تضادهای امپریالیستی و موفقیت کلی آسیا در آستانه نخستین بحران عمومی سرمایه داری تشکیل میدهد)) . (۲۱)

پس از تاسیس دولت روسیه شوروی لینین بلا درنگ به پیاده ساختن پرنسیپ های نوین در روابط بین المللی پرداخت . یکی از اولین اسنادی که از طرف دولت شوروی در آن وقت انتشار یافت پیامی زیر عنوان ((خطاب به تمام مسلمانان روسیه و شرق)) مورخ ۳ دسامبر ۱۹۱۷ بود که در بهار سال ۱۹۱۸ به افغانستان رسید .

درین پیام آماده گی روسیه انقلابی جهت ارایه کمک به مردم ستمدیده شرق بخاطر حصول آزادی خاطر نشان گردیده بود . دولت شوروی در نخستین فرمان های رسمی خویش قاطعانه اعلان کرد که سیاست آن در شرق ضد امپریالیستی بوده و حکومت شوروی ما میل است که رشد اقتصادی و سیاسی خلق های شرق به صورت مستقل انجام گیرد و این خواست کشورها از طرف شوروی مورد هر نوع پشتیبانی قرار خواهد گرفت . (۲۲)

اهداف وطن پرستان افغان، مبنی بر عدالت ، برابری و استقلال ملی در آن زمان با افکار اعلام شده از جانب دولت شوروی مطابقت داشت .

در نشرات جریده سراج الاخبار طی سالهای ۱۹۱۷ -

۱۹۱۸ مسایل زیادی در زمینه استقلال، آزادی، برابری و رشد ملی همراه با اطلاعات مر بوطه انقلاب اکتوبر به چشم میخورد.

این جریده متن کامل معاهده صلح پرست لیتوفسک را که در آن استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ارضی افغانستان و ایران از جانب دول معظم اروپا در آن زمان برسمیت شناخته شده بود (ماده هفتم). به نشر رساند و طی تبصره های مهمی بر اهمیت آن تاکید ورزید. (۲۳) این ها همه بارشد افکار آزادی خواهانه در افغانستان و ایجاد محافل سیاسی جو ان که برای حصول استقلال و تأمین تحولات در افغانستان مبارزه مینمودند. یعنی باشکل-گیری جنبش جوانان افغان همزمان بود.

در آستانه انقلاب اکتوبر، کابل بسیاری از انقلابیون هندی را که بعداً راه روسیه شوروی را در پیش گرفتند. نیز استقبال مینمود. با وجود اقدامات دستگاه حکومت امیر حبیب الله مبنی بر جلوگیری از فعالیت انقلابیون هندی، در سال ۱۹۱۶ انقلابیون هندی ((حکومت موقتی آزاد هند)) را در کابل تحت ریاست مهیندل پرتاب و معاون او مولوی برکت الله اعلان نمودند. (۲۴)

آنها بعد از ایجاد تماس با فدراسیون روسیه به ترتیب در اوایل سال ۱۹۱۸ و در آغاز سال ۱۹۱۹ به جمهوری شوروی رفتند. دوتن دیگر از انقلابیون هند بنام های محمد علی و محمد شفیق در اپریل ۱۹۲۰ از راه کشور ما عازم تاشکند گردیدند.

همچنان در همین سال ۲۸ عضو جمعیت انقلابی هند که

در پایان ۱۹۱۹ تاسیس و تحت رهبری عبدالرب . ب اچاریا شروع به فعالیت نموده بود ، نیز راه تاشکند را در پیش گرفت .

موجودیت و عبور نماینده گان کانون کابل و جمعیت انقلابی هند ، در بخش افکار انقلابی و اندیشه های اکتوبر در میان افغانها بی تاثیر نبود . با این مسافرت ها در واقع راه کابل - تاشکند - مسکو به نوعی به شاهراه اندیشه های انقلابی مبدل میگردد .

بسیاری از افغانهایی که در این سال ها در جمهوری شوروی میزیستند و یابه آن رفت و آمد داشتند از افکار آزادیخواهانه دولت جو آنشورا ها و از مبارزه آن برای خوشبختی مردم به هموطنان خود حکایت مینمودند .

بر اساس واقعیت های تاریخی علاوه بر جوانان افغان و تحول طلبان و مبارزان آزادیخواه اندیشه های اکتوبر در میان روشنفکران که بانبروهای حاکم در رابطه نزدیک بودند ، نیز رخنه میکرد .

یک سند مربوط به شعبه سازمان جاسوسی انگلیسی در پشاور (انتلیجنت سرویس) که توسط وزارت امنیت عمومی دوره امانی بدست آمده واصل آن نزد ظهیر الله ظهیری و یک نسخه فوتوکاپی آن نزد من موجود است حاکی از آن است که :

((شاخه کابل حزب کمونیست هند زیر تاثیر بین الملل سوم کارگری فعالیت خود را توسعه میدهد . این شاخه در کابل زیر نظر ظفر حسن خان واللہ نواز خان هوتن از انقلابیون هندی فعالیت مینماید . (۲۵) از فعالین افغان این سازمان در مد رسه حریبه کابل دو تن بنام های

سید انور شاه و سلطان میرزا بودند که افکار انقلابی رامیان جوانان اشاعه میدادند.

سند همچنان نشان میدهد که انقلابیون افغانی در تاشکند - مسکو - بخارا و سرحدات افغانی فعالیت نمودند و میخواستند رژیم جمهوری را در افغانستان مستقر سازند . بر اساس این سند، سازمان جمهوری خواهان انقلابی افغانستان تحت رهبری حاجی یعقوب رستا قی (رئیس کمیته انقلابی افغانستان) جعفر رفیق و خال محمد میمنه گی پنج شش ماهه بعد از بین الملل سووم کارگری (کمینترن) ایجاد شده بود. بدینگونه سند بر موجودیت کمیته انقلابی در افغانستان با (کمینترن) سخن میگوید که تاکنون در باره آن بر رسی کامل تاریخی صورت نگرفته است .

دولت شوروی در سال ۱۹۱۸ پیشنهادات خویش را در مورد برقراری مناسبات دوستانه به کابل فرستاد ، مگر رژیم ارتجاعی امیر حبیب الله تحت رهنمایی انگلیس ها این پیشنهادات را نادیده گرفت . این مشی سیاسی امیر حبیب الله و اطرافیان وی بر ضد منافع مردمان افغانستان بود .

بهر حال روشنفکران و حلقه های وطن پرست افغانستان شددیداً خواستار بودند تا امیر حبیب الله بخود تکیان داده احساسات ضد انگلیسی را نه تنها از خود بروز دهد بلکه زمینه را برای ابراز این احساسات مختنق نسازد . از این است که پیام ها و شب نامه های اخطار آمیز به امیر میرسید و سوء قصد های مکرر بر ضد او صورت میگرفت . اما امیر در مقابل باز هم به سرکوبی و تعقیبات شدید و ترور روشنفکران می پرداخت .

چون امیر حبیب الله مانده سدی در برابر احساسات

وطن پر ستانه قرار داشت بر خورد ملی در مقابل این
طرز العمل امیر چنان جدی بود که بقتل او در يك نیمه شب
بیستم ماه فبروری ۱۹۱۹ منجر شده یکی از پسران جوان
امیر حبیب الله بنام امان الله خان که هنگام قتل پدر بصفت
والی کابل باقیمانده بود با آنکه کاکایش سردار نصر الله خان
در جلال آباد فوراً اعلان پادشاهی نموده بود با محبوبیتی
که در میان روشنفکران و وطنپرستان داشت بزودی به
جای پدر بر تخت سلطنت کابل جا گیر شد . (۲۸ فبروری
۱۹۱۹) اردوی افغانستان در قشله های کابل و جلال آباد از
او امر صاحب منصبان مر تجع خود سرباز زدند و حتی در
جلال آباد عده از این صاحب منصبان را بشمول سردار
نصر الله خان توقیف کردند و ادار باطاعت از امان الله خان
نمودند . (۲۶)

امان الله خان پس از مراسم تاج پوشی اعلامیه جامع
منتشر ساخت که در آن مردم را در تحقق بخشیدن اندیشه
ها و آرمان های نیکش بکمک و یاری دعوت میکرد . در این
اعلامیه گفته شده بود :

۱- دولت افغانستان باید در تمام مسایل داخلی و خارجی
خود آزاد و مستقل باشد و از کلیه حقوقی که سایر دول
مستقل دارند بر خوردار باشند .

۲- خلق افغانستان باید آزاد باشد بدین معنی که هیچ
کس نباید مورد ظلم و استبداد خود سرانه هیچکس قرار گیرد .
اعلیحضرت امان الله که به آزادی و استقلال سیاسی
کشور عشق داشت و دارای احساسات عمیق ضد انگریزی
بود پنج روز بعد از اعلان سلطنت خود بتاريخ ۲ مارچ
۱۹۱۹ از جلوس خود بر تخت کابل طی مکتوبی به ویسر ای

هند رسماً اطلاع داد و در آن نوشت که : ((دولت مستقل و آزاد افغانستان بر اساس شرایط مودت و حسن نیت حاضر است در موقع ممکنه بادولت مقتدر انگلستان قرار داد و معاهده ای را عقد نماید که برای منافع تجارتي دولتين مفيد واقع گردد .)) (۲۷)

امير امان الله که تا يك ماه بعد جواب مکتوب خود را از جانب انگليس ها در نيا فته بود تصميم گرفت برای انگليس ها واضح سازد که در پیام وی هیچگونه اشتباهی واقع نشده و منتظر عکس العمل انگليس ها میباشد .

بناء بتاريخ ۱۳ اپریل ۱۹۱۹ اوطی مجلس بزرگ در دربار کابل اظهار داشت :

((من خود را و کشور خود را کاملاً آزاد و مستقل در امور داخلی و خارجی اعلان میدارم .

بدین ترتیب کشور من يك دولت مستقل همانند سایر دول جهان خواهد بود .))

سپس به سفیر انگليس که همانجا حضور داشت رو کرده به آرامی پرسید : (ای سفیر دانستی که چه گفتم ! او هم جواب داد : بلی دانستم .) (۲۸)

در این هنگام خبر های پیروزی انقلاب هنگری بگوش ها میخورد . در آلمان علی الرغم ناکامی انقلاب نومبر سال ۱۹۱۸ حالت انقلابی حکمفرما بود . در ترکیه مبارزان راه آزادی بدور جنرال کمال اتاترک متشکل میشد . کشور هند نیز در حال تلاطم بود . در اوایل اپریل ۱۹۱۹ اعتصاب عمومی سرتاسر آن کشور را فرا گرفت در بمبئی، لاهور، دهلی و سایر شهر های هند نا آرامی ها و تصادمات با افراد پولیس و سناکر استعمارگران انگریزی رخ میداد .

روز ۱۳ اپریل شهر امرتسر دو هزار کشته و چندین هزار مجروح داد که واقعاً تکان دهنده بود. توده های چندین ملیونی قحطی زده هند از فعالیت ها و خواسته های کارگران و پیشه وران حمایت میکردند . (۲۹)

مهمتر از همه در شمال افغانستان دولت شوروی تلاش های ارتجاع داخلی و خارجی را سر کوب کرده میرفت . قوای کلحاک را در محاذ شرقی و باندهای ضد شوروی را در آسیای میانه موفقانه سر کوب نموده متجاوزین انگلیسی را وا داشت تا بتاريخ اول اپریل ۱۹۱۹ عساکر خود را از خاک شوروی بکشند . (۳۰)

در چنین حالات و اوضاعی بود که اعلیحضرت امان الله خان خطابه های پی در پی ضد انگلیس را در محضر شهریان کابل و طبقات و اقشار مختلف مردم ایراد میکرد و با استقبال پر حرارت و تایید بیدریخ توده های وسیع مردم مواجه میگردد .

بیانیه شدید ضد امپریالیستی محبوبیت اعلیحضرت امان الله خان را در میان مردم توسعه و تحکیم بخشید . او با احراز چنین محبوبیتی است که بیکار عظیم خلق را برای استرداد استقلال سیاسی کشور اعلان نمود و خلق شجاع افغانستان را برای سومین نبرد رهایی بخش ملی با دشمن شناخته شده یعنی انگلیس که تازه از جنگ عمومی اول موفقانه و مغرور باز گشته بود دعوت کرد .

مردم وطن پرست افغانستان باین دعوت لبیک گفته و بزودی سپاه ۶۰ هزار نفری متشکل از ملیت های مختلف ولی دارای احساسات برادرانه وطن پرستی همراه با اصلاح کهنه ایکه طی جنگ های اول و دوم خود با انگلیس ها آنرا به دست آورده

بودند آماده نبرد شدند .

چار هزار توپچی تربیه‌ناشده با توپ های کهنه و تجهیزات محدود این سپاه‌پیاده را همراهی میکرد . ولی دشمن چه کرد؟ دشمن درمقابل این سپاه اندک و تعلیم ندیده ابتدا ۳۲۰ هزار و بعد ۷۵۰ هزار افسر و سرباز تعلیم دیده که از ۱۸۵ تا ۴۵ هزار حیوان زیر باروبنه تجهیز نظامی کمر خم میکرد . با صدها طیاره جنگی برای نبرد با افغانستان بسوی سرحدات جنوبی و جنوب غربی کشور مارش داد . (۳۱)

وسایل و مهمات جنگی اردوی افغانستان با اردوی برتانوی که بامدرن ترین جنگ افزارها و طیارات جنگی مجهز بود به هیچ صورت قابل مقایسه نبود و با وصف علم تناسب مشهود کمی و کیفی نیرو های نظامی اردوی افغانستان در برابر اشغال گران مقاومت قهرمانانه از خود نشان دادند . در جریان جنگ استقلال علیه بزرگترین قدرت امپریالیستی آنوقت (امپریالیزم انگلیس) احساسات ملی و وطنپرستی مردم افغانستان اوج تازه ای یافت و روند مبارزه گسترش بی سابقه کسب نمود .

قبایل داوطلب پشتون در دفع و طرد مسلحانه استعمار گران برتانوی نقش عظیمی را ایفاء نمودند .

مبارزه آزادی بخش مردم افغانستان از جانب قبایل پشتون که در اواسط ماه می ۱۹۱۹ (اخیر ژوئن ۱۲۹۸ شمسی) قیام عمومی را بر ضد انگلیسها آغاز کردند ، مورد حمایت وسیع و فعال قرار گرفت .

این قیام که در مناطق سرحدی از گذرگاه خیبر تا بلوچستان گسترش داشت يك قیام وسیع توده ای بود که به مقاومت سر سختانه قیام کننده گان مبدل شد و فعالیت

محاربوی بر ضد انگلیس هادر بعضی مناطق منجمله در
وزیرستان جنوبی الی سال ۱۹۲۲ (۱۳۰۱ ش) ادامه
یافت . (۳۲)

قیام مردم افغانستان مو رددلچسپی وسیع خلق های هند
برتا نوی نیز قرار گرفت . سپاهیان هندی در گارنیز یون
های برتانوی واقع در مناطقی قبایلی همراه با سلاح و تجهیزات
دست داشته شان به اردوی افغانستان روی آوردند . این
جریان سبب تضعیف وسیع تجا و زکا ران انگلیس
گردید . (۳۳)

دور نمای آغاز جنگ میهنی در افغانستان که با هند و
کشور شوروا ها مستقیماً همسرحد بود . در تأمین
شرایط مساعد برای گسترش جنبش آزادی بخش ملی ضد
استعماری در سر تاسر شرق کاملاً محسوس بود که این امر
امپریالیستهای انگلیس را به خوف انداخت .

با در نظر داشت چنین اوضاعی بود که امپریالیزم
انگلیس پس از روبرو شدن با مقاومت سر سخخانه مبارزان
افغانی مجبور شد بتاريخ ۳ جون ۱۹۱۹ آتش بس را رسماً اعلان
کند و در موضوع استر داداستقلال افغانستان در پای
میز مذاکره بنشیند . برای نیل به یک چنین مامول بزرگ ملی
کنفرانسی در اولپندی دایر شده و نماینده گان طرفین به تاریخ

۸ اگست ۱۹۱۹ (مطابق ۱۸ اسد ۱۲۹۸) معاهده صلح
موقت را امضاء کردند که به تاریخ ۱۸ اگست مطابق ۲۸
اسد همان سال از جانب شاه امان الله توشیح شد . (۲۴)

و مردم ما همین روز (۲۸ اسد) را روز آزادی و استقلال خود
شناختند و آنرا گرامی میدارند مگر انگلیس ها با استفاده از شیوه

ها و تکتیک های دیپلو ما سی امضاء سند استقلال افغانستان را تا دو سال دیگر یعنی تا نوامبر ۱۹۲۱ به تعویق انداختند. برای امضای این سند و برقراری روابط دیگر مذاکرات منصوری دولتین در ۱۹۲۰ ادامه یافت و پس از چار ماه باز هم بی نتیجه ماند و قطع شد. انگلیس ها پس از قطع مذاکرات منصوری می دیدند که دولت افغانستان عملا مستقل است. چنانکه در ۲۷ مارچ ۱۹۱۹ دولت جوان شو. روی استقلال افغانستان را برسمیت شناخت و سفارت افغانستان در ۲۸ می در تاشکند برقرار شد. همچنین در ۱۰ اکتوبر سفیر افغانستان به مسکو و در ۱۴ دسامبر همان سال سفیر شوروی به کابل رسید. در اوایل سال ۱۹۲۱ در ۲۸ فبروری معاهدات مودت و دوستی بین افغانستان و شوروی امضا گردید. دوز بعد معاهدات مودت و دوستی افغانستان و دولت جمهوری ترکیه در مسکو امضاء شد.

هیئت افغانی به سرکرده گی محمد ولی خان به اروپا سفر کرد و در جرمنی، فرانسه و ایتالیا با استقبال شایان مواجه شد. (۳۵)

سر انجام توسعه روابط سیاسی روز افزون افغانستان دولت انگلو هندوستان را ناچار ساخت تا سند استقلال کامل کشور ما را امضاء نماید. اما مردم و کشور ما در همان ۲۸ اسد سال ۱۲۹۸ هجری شمسی که برابر است با ۱۸ اگست ۱۹۱۹ یعنی روز توشیح معاهده راو لپندی از جانب شاه امان الله که بتاريخ ۱۸ اگست از جانب نماینده گان طرفین در راو لپندی به امضاء رسیده بود، خود را آزاد و مستقل شناختند و آنروز را گرامی داشتند و تا اکنون و سالهای بعد گرامی خواهند داشت.

امضاء قرار داد راولپندی نمایانگر پیروزی تاریخی مردم
افغانستان علیه امپریالیسم انگلیس بود که این قرار داد
پروسه مبارزه در راه استقرار حاکمیت ملی را در کشور
تکمیل کرد .

پیروزی مردم افغانستان در نبرد نا برابر امپریالیسم که
نازه در جنگ غارتگرانه امپریالیسم فاتح گردیده بود . در
نتیجه عوامل مساعد ملی و بین المللی میسر گردید . قیام
گسترده و متحدانه خلقهای حماسه ساز افغانستان در يك
جبهه ملی که با جانبازی هاواز خود گذشته گی های فراوان
صورت می گرفت . در نقطه اوج خود شکست مفتضح را
نصیب تجا و ز کاران انگلیس نمود و به تسلط آنان خاتمه
بخشید .

در همان زمان استالین د باره اهمیت مبارزه افغانها برای
حصول استقلال شان گفته بود:

((لازمه جبهه انقلابی نهضت ملی در شرایط فشار امپریالیسم
به هیچوجه آن نیست که عناصر پرولتاریایی در نهضت
وجود داشته باشد و نهضت دارای برنامه انقلابی و جمهوری
خواهانه و یامتکی بردموکراسی باشد . مبارزه امیر افغان برای
استقلال افغانستان با وجود نظر به سلطنت طلبی او اعوان
و انصارش از نظر عینی مبارزه انقلابی است زیرا این مبارزه
امپریالیسم را ضعیف و قوایش را تجزیه کرده و آنها را از ریشه
متزلزل میسازد .)) (۳۶)

دولت شوروی اولین کشوری بود که استقلال افغانستان را به
رسمیت شناخت . پایه های سیاست خارجی روسیه شوروی
که بعد از پیروزی انقلاب توسط و ای . لنین استوار شده بود
به امر دوك عمیق از منافع حیاتی دول شرق متکی بود .

بر قراری مناسبات دوستانه بین کشور شوراهای و دولت افغانستان که درفش نبرد علیه امپریالیزم و مبارزه در راه استقرار حاکمیت ملی و تأمین امکانات رشد کشور را افزایش بود ، یکی از درخشان ترین نمونه های و مثال يك چنين سیاست میباشد .

روسیه شوروی از روزگاران دشوار برای کشور ما نخستین کشور جهان بود که از اعلامیه استقلال افغانستان استقبال نمود و آنر برسمیت شناخت گام های عملی حکومت شوروی در کمک بخلق افغانستان تحقق مشی آن کشور در جهت پشتیبانی از مبارزه خلقها علیه استعمار و ستم بشمار میرفت . این امر بر افکار وطن پرستان افغان تأثیر بسزا گذاشت و آنها بیش از پیش بصحت آرمانهای شان معتقد ساخت .

ماخذ

- ۱- م.ن. جوانشیر، اقتصادسیاسی، از نشرات حزب توده ایران ۱۳۵۸ ص ۶-۳.
- ۲- دکتور علوم کبیررنجبررشد سرمایه داری و تر کیب اجتماعی اهالی شهر دورافغانستان قبل از انقلاب مجله آریانا سال ۱۳۶۵ شماره اول ص ۱.
- ۳- افغانستان وسیرانکشاف اقتصادی آن نشریه بانک جهانی مارچ ۱۹۷۸، ج ۱، ص ۳۲.
- ۴- غبار- افغانستان درمسیر تاریخ. صفحه ۷۰۵ بعد.
- ۵- افغانستان و سیرانکشاف اقتصادی آن. نشر شده بانک جهانی مارچ ۱۹۷۸ ص ۳۲، ج ۱.
- ۶-۷- دکتور کبیر رنجبر، همان مقاله، همان مجله، صفحه ۵-۶.
- ۸- تاریخ معاصر افغانستان (از استرداد استقلال تا انقلاب ثور) طبع ۱۳۶۲ مطبعه دولتی ص ۱-۲.
- ۹- غبار همان اثر ص ۶۲-۷۰۳، افغانستان در پنجاه سال اخیر. طبع موسسه بیهقی ۱۳۲۶ ص ۶.

- ۱- غبار همانجا ص ۷.۷-۷.۸ .
- ۱۱- سراج الاخبار ربیع الاول ۱۳۳۳ هجری (۱۹۱۲م) شماره ۱۱ سال چهارم بحواله غبار ص ۷.۷ .
- ۱۲- غبار، همان اثر ص ۷.۹ .
- ۱۳- افغانستان در پنجاه سال اخیر (زیر عنوان مالیات دیده شود) .
- ۱۴- غبار، همان اثر، ص ۷.۲ .
- ۱۵- نفتولا خالفین، انگلستان بر ضد افغانستان ، موسسه نشراتی آژانس مطبوعاتی نویستی ۱۹۸۰- ص ۱۹۱ ، تاریخ معاصر افغانستان (از استرداد استقلال تا انقلاب ثور) .
- ۱۶- برای معلومات بیشتر رجوع شود به: حبیبی، جنبش مشروطیت در افغانستان، طبع ۱۳۶۳ مطبعه دولتی کابل ، ص ۱۲۰ بعد .
- ۱۷- جنبش مشروطیت در افغانستان ، ص ۱۱۳ .
- ۱۸-۱۹- تاریخ معاصر افغانستان (از استرداد استقلال تا انقلاب ثور) ص ۸ .
- ۲۰- غبار ، افغانستان در مسیر تاریخ ص ۷۳۹، اثر قبل الذکر ، ص ۹ .
- ۲۱- ر.ای. اولیانو فسکی، مقالات پیرامون مبارزه ملی - آزادی بخش، پروگرس ماسکو ۱۹۸۳، ص ۳۲ بعد .
- ۲۲- نفتولا خالفین ، همان اثر ، ص ۱۷۱، تاریخ معاصر افغانستان ، ص ۹ .
- ۲۳- سراج الاخبار، سال هفتم شماره ۱۸ و شماره های بعدی .
- ۲۴- حبیبی ، جنبش مشروطیت در افغانستان، ص ۹۳

۲۵- مرحوم حبیبی درین مورد نوشته است : الله نواز خان و شاه نواز خان پسران خان بهادر در ماه فبروری ۱۹۱۵ از ملتان بکابل و اردشدند . الله نواز در جولای ۱۹۱۹ نامه های ابریشمین مولوی عبدالله سندیهی را از وی گرفت نامه عربستان به مولانا محمود الحسن برساند . و لی شخصی بنام عبدالحق آن نامه ها را در لاهور به خان بهادر داد تا به حکومت هند سپرده شود .

خان بهادر در پا داش این خدمت در پولیس راه هند پنجاب مقرر گردید .

ازین روی شخصیت الله نواز خان که ممکن است بدستور انتلیجنت سر و یس انگلیس بکابل آمده باشد و در حلقه انقلابیون داخل گردیده باشد هنوز مورد سوال است (جنبش مشروطیت در افغانستان ، ص ۹۶-۹۷) .

۲۶- غبار ، افغانستان د رمسیر تاریخ ، ص ۷۲۱ بیعد .

۲۷-۲۸- نفتولا خالقیین ، ص ۱۷۹-۱۸۰ .

۲۹-۳۰- همان اثر ، ص ۱۸۸-۱۸۷ .

۳۱- همانجا ص ۱۹۱ مقایسه شود با غبار ، ص ۷۵۷ .

۳۲- غبار ، ص ۷۶۵ .

۳۳- تاریخ معاصر افغانستان از استرداد استقلال تا انقلاب

ثور ص ۱۵-۱۶ ، غبار ، صفحات ۷۷۴ بیعد .

۳۴- غبار ، صفحات ۷۷۷-۷۸۲ .

۳۵- همان سر صفحه ۱۲ جنبش مشروطیت در

افغانستان ص ۱۷۲

انتشارات وزارت اطلاعات و کلتور ج. ۱.

مطبعه دولتی

